

نظریه‌ای در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلامی

حسین عیوضلو*

در این مقاله اجزا (مبانی)، روابط ثابت (قواعد اساسی) و اهداف آن (به‌عنوان ارکان اصلی نظام) براساس مکتب و نظام اقتصادی اسلام معرفی و تبیین شده است. همچنین، این نتیجه حاصل شده که این نظام با معیارهای عدالت اقتصادی (برخورداری برابر از امکانات و ثروت‌های عمومی، سهم‌بری براساس ارزش افزوده، و استفاده در حد "قوام" از ثروت‌های عمومی در فرایند تولید، و توازن نسبی ثروت و درآمد) و مکانیسم آزاد قیمت‌ها در بازار کاملاً تطبیق دارد.

۱. مفاهیم، تعاریف، و روش تحقیق

با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات متمایز تحقیقات اقتصاد اسلامی، لازم می‌آید، هرچند به‌طور اجمال، روش تحقیق این مقاله مشخص گردد. به این دلیل، توضیحاتی در این خصوص در پی می‌آید.

نظام

نظام مجموعه‌ای از عناصر مرتبط به هم است و بین اجزای آن ارتباط وجود دارد و در تحقق نتیجه یا ثمره یا خصلت مشترکی باهم هماهنگی و سازگاری دارند. در نظام‌های اجتماعی از ثمره یا خصلت مشترک می‌توان به‌عنوان هدف نام برد. بنابراین، هر نظام ترکیبی است از اجزاء (مبانی)، روابط و اهداف.

- این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی است که با عنوان "نظریه‌ای در تبیین الگوی نظری توزیع درآمد در اسلام و تحلیلی پیرامون امکان تطبیق آن با نظام اقتصادی ایران" در پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و با تأمین مالی معاونت امور اقتصادی در سال ۱۳۷۵ انجام یافته است.

* دکترای اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

نظام اقتصادی

نظام اقتصادی سیستمی است که برای اجرا و پیاده ساختن مکتب اقتصادی طراحی می‌شود. نظام اقتصادی به‌عنوان یک سیستم از اجزا (مبانی)، روابط، و اهداف تشکیل شده است. نظام اقتصادی شامل سه نوع مبانی است: (۱) مبانی تکنولوژیک، (۲) مبانی نهادی، و (۳) مبانی ایدئولوژیک.

عصار لیندبک با تأکید بر ماهیت چند بعدی یک سیستم یا نظام اقتصادی می‌نویسد: یک نظام اقتصادی مجموعه‌ای از ساز و کارها و نهادهایی است که برای اتخاذ تصمیم و به‌کارگیری آن در تصمیم‌های مربوط به تولید، درآمد و مصرف در محدوده جغرافیایی خاص به کار گرفته می‌شود.^۱

در تعاریف جدید از نظام‌های اقتصادی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رفتار یا نتایج و محصولات اقتصادی تأثیر دارند، اشاره می‌شود. در این زمینه پل گریگوری و رابرت استوارت با توجه به چند بعدی بودن نظام اقتصادی، آن را تابعی از ویژگی‌های زیر می‌دانند:

$$(1) \quad \text{نظام اقتصادی} = f(A1, A2, \dots, An)$$

یعنی نظام اقتصادی با ویژگی‌ها و خصوصیات و عوامل مؤثر (A_i) مشخص می‌شود. وی با فرض $n = 4$ مشخصه‌های زیر را برای نظام اقتصادی ذکر می‌کند:

۱. سازماندهی تصمیم‌گیری اقتصادی،
۲. ساز و کار تهیه اطلاعات و هماهنگی: بازار و برنامه‌ریزی،
۳. حقوق مالکیت: کنترل و درآمد،
۴. ساز و کارهای تعیین اهداف و تحریک افراد به فعالیت: انگیزه‌ها.^۲

نظام اقتصادی اسلامی

منظور نگارنده از نظام اقتصادی اسلامی به‌عنوان الگوی نظری، مجموعه نظریه‌های منسجم و هماهنگی است که در قالب چند الگوی رفتاری درباره روابط شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های اقتصادی با یکدیگر و منابع

۱. نگاه کنید به

Assar Lindbeck, *The Political Economy of the New Left: An Outsider's View*, 2nd ed. New York, Harper & Row, 1977, p. 214.

2. Paul R. Gregory and Robert C. Stuart, *Comparative Economic Systems*, Houghton Millin Company, USA, 1992, p. 16.

قابل دسترسی و در چارچوب قرارداد اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اسلامی، راهکارهای لازم را برای عملی ساختن موازین شریعت اسلام در جامعه و نیل به اهداف و ایده آل‌های مورد نظر مکتب اقتصادی اسلام نشان می‌دهد. چنین نظریه‌هایی از معیارهای معتبر روش‌شناسی علمی تبعیت می‌کنند و قابل نقد و ابطال‌اند. به همین دلیل است که از صفت "اسلامی" به جای "اسلام" استفاده می‌کنیم که نشانگر تعدد و تکثر چنین نظریه‌هایی است. نقد و ابطال این نظریه‌ها راه را برای شکوفایی و تثبیت نظریه‌های معتبر و رشد علمی در این حوزه هموار می‌سازد.

به نظر ما تصمیم‌های اقتصادی در نظام اقتصادی اسلامی از عوامل متعدد کمتی و کیفی تأثیر می‌پذیرد و برآیند تصمیم‌های اقتصادی افراد و گروه‌های شرکت‌کننده در فعالیت اقتصادی پدیده‌های اقتصادی را شکل می‌دهند. دقیقاً به همین دلیل است که امکان تأثیرگذاری در روند پدیده‌ها و متغیرهای اقتصادی وجود دارد بر همین اساس، نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی نیز در مقطع فعلی از تاریخ تکامل نظریه‌های اقتصاد اسلامی به دنبال معرفی الگوی نظری مناسبی برای تغییر حرکت رفتارهای اقتصادی جامعه در جهت الگوی مطلوب اسلامی (مکتب اقتصادی اسلامی) هستند. بدیهی است این الگو در چارچوب شریعت اسلامی قابل طرح است و چارچوب نهادی یا هسته سخت نظریه‌های آن تماماً براساس جهت‌گیری‌های کلی و گرایش‌های اکثری مکتب اقتصادی اسلامی شکل می‌گیرد.

نظام توزیع عادلانه ثروت و درآمد

نظام توزیع عادلانه ثروت و درآمد زیر مجموعه‌ای از نظام اقتصادی اسلام است و لذا تحت تأثیر اصول، مبانی و اهداف آن قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، این نظام با سایر نظام‌های همجوار خود (تولید، مصرف و...) که به عنوان زیر مجموعه‌های دیگر نظام اقتصادی اسلام مطرح‌اند، همبستگی‌های خاصی دارد.

نظام توزیع عادلانه نیز به عنوان یکی از نظام‌ها، دارای اجزاء، روابط و اهداف خاص خود است. در نظام‌های الهی، با توجه به نگرش توحیدی و علم کلام، روابط نظام و اهداف آن از طرف خداوند عالم وقادر و خالق نظام احسن خلقت تعیین شده است. براین اساس، روابط و اهداف نظام عادلانه توزیع نیز از طریق وحی مشخص شده است.

مفهوم عدالت اجتماعی

منظور از عدالت اجتماعی این است که جامعه باید رفتار یکسانی با تمام کسانی که شایستگی یکسانی دارند،

داشته باشد^۱. به نظر پرودن، مسأله عدالت این است که چگونه می‌توان بین فرد و جامعه هماهنگی (همزیستی) ایجاد کرد، به نحوی که نه فرد حذف شود و نه جمع، و هر کدام هویت مستقل خود را حفظ کنند. عدالت به دنبال تحقق نظمی است که نه کمونیسیم است نه استبداد، نه اتمیزه است و نه هرج و مرج، بلکه آزادی به نظم درآمده است و از لحاظ وحدت و یگانگی و سازگاری مستقل است.^۲

برخی دیگر از نظریه‌پردازان عدالت از جمله مرنبون و رالز عدالت اجتماعی را به معنای «مجموعه‌ای از حقوق و وظایف که رابطه بین افراد و اجتماع را هدایت می‌کند»^۳ و «ضابطه‌ای عمومی برای تعیین شئون لازم‌الرعایه»^۴ تبیین کرده‌اند. بریان بری از آن به عنوان «معیاری برای ارزیابی نهادهای اجتماعی، نهادهایی که وضعیت‌هایی را تعریف می‌کنند که در آن‌ها مسائل تقسیم منصفانه مطرح می‌شود»^۵ یاد کرده است.

به تعریف مرتضی مطهری، عدالت اجتماعی عبارت است از «ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و رفع موانع برای همه به‌طور یکسان»^۶ به تعریف علامه طباطبایی، عدالت اجتماعی عبارت است از این که «با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است»^۷.

با توجه به نکات یاد شده، آنچه در بحث عدالت اجتماعی مهم است، تساوی هر یک از افراد در برابر قانون و برخورداری یکسان آنان از امکانات جامعه و لزوم تساوی در زمینه استحقاق‌های مساوی است. علاوه بر این، تحقق عدالت اجتماعی در جامعه منوط به تعیین موازین و شئون لازم‌الرعایه‌ای است که متضمن حفظ شأنیت و هویت هر یک از افراد در عین حفظ شأنیت و هویت جامعه است.

1. J. S. Mill, *L'utilitarianism*, 1981, Flanmarion, Paris, 1988, p.122.

2. George Gurwich in *Encyclopedia of Social Sciences*, Seligman, Edwin R. A. & K. Alvin Johnson (eds.), Volume.

3. New York The Macmillan Company, 1932, p.13.

۴. همان.

5. Brian Barry, *Theories of Justice*, London School of economics and Political Sciences, 1989, p.145.

۶. مرتضی مطهری، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، صص ۱۵۷ - ۱۵۶.

۷. علامه طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۲۴، ص ۲۴۵.

مسأله عدالت اجتماعی

امروزه پایه‌ای‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوع اقتصاد هنجاری^۱ موضوع عدالت اقتصادی است. عدالت اقتصادی نه تنها بخش اعظم عدالت در جامعه را در برمی‌گیرد، بلکه حتی می‌تواند به‌عنوان تمام جوانب عدالت اجتماعی نگریسته شود، چراکه تمایلات، منافع، شرایط و رقابت بین افراد را می‌توان با بیان اقتصادی توضیح داد. علاوه بر این، ابزارهای ویژه، مفاهیم، روش‌ها و تحلیل‌های انجام یافته در علم اقتصاد (به معنای گسترده‌تر) جایگاه برجسته‌ای در تئوری‌های جدید عدالت دارند. در واقع، تئوری‌های جدید عدالت نشانگر همبستگی ضروری میان فلسفه و اقتصاد است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های عدالت اقتصادی عدالت توزیعی است و گاهی این دو یکی گرفته می‌شوند. هنگامی که "بیشتر داشتن" برای یکی از موارد قابل بررسی از لحاظ عدالت مستلزم "کمتر داشتن" برای دیگری است، مسأله توزیع، مسأله عدالت توزیعی است. مهم‌ترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات، منابع یا در مورد اجناسی است که کمیاب‌اند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب پیدایش خواسته‌های رقیب می‌شوند.

۲. اصول کلی حاکم بر نظام توزیع عادلانه ثروت و درآمد

الف) اصول تکوینی

منظور از اصول تکوینی، اصول استفاده از آن دسته از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی است که در رابطه با مسائل و رفتارهای اقتصادی به‌عنوان یک جهان‌بینی مطرح می‌شوند. در دیدگاه اسلامی، هر جزء یا زیرسیستم به‌نحوی باکل سیستم اسلامی و سایر زیرسیستم‌ها ارتباط و هماهنگی دارد و لذا مسائل اقتصادی را هیچ‌گاه نمی‌توان جدا از نگرش کلی اسلام مطرح ساخت. به عبارت دیگر، مکتب اقتصادی اسلام کاملاً مرتبط با مکتب کلی اسلام است و به‌عنوان یک مجموعه سیستمی زیر مجموعه آن است و از طرف دیگر با سایر مکاتب اسلامی نظیر مکتب سیاسی، مکتب اخلاقی و... ارتباط دارد و سازگار است.

ب) اصول و مبانی حقوقی (تشریحی)

اصول حقوقی و تشریحی مبتنی بر اصول فلسفی و تکوینی ولی اعتباری و قراردادی است. در اقتصاد اسلامی، اصول حقوقی یا مستقیماً از وحی گرفته می‌شود یا منتزع از احکام مدنی است. به‌عنوان مثال، در مورد مالکیت خصوصی، یا از اسلام گرفته شده که مالکیت فردی محترم است یا از احکام فقهی و قانون

مدنی که در موارد مختلف استنباط می‌شود، چون در اسلام اجازه خرید و فروش و تجارت داده شده و احکامی در مورد اجاره زمین، خانه و مانند آن مطرح است و با توجه به مسأله ارث و موارد دیگر، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که مالکیت فردی در اسلام وجود دارد و محترم است.

۳. قواعد و معیارهای عدالت اقتصادی

از آن‌جا که محوری‌ترین اصل در توزیع ثروت و درآمد توجه به شئون و موازین عدالت است، به همین دلیل لازم است هم در مرحله تبیین توزیع عادلانه و هم در مرحله تطبیق آن با واقعیت اقتصادی به قواعد و قوانین عدالت اقتصادی استناد شود. به همین منظور، در این قسمت به تشریح این قوانین در چارچوب شریعت اسلامی می‌پردازیم.

براساس آنچه در تبیین مسأله عدالت اقتصادی گفته شد، مهم‌ترین بخش عدالت اقتصادی عدالت توزیعی است و به همین دلیل همچنان که مورس سیلور در کتاب مبانی عدالت اقتصادی خود متذکر می‌شود مسأله عدالت اقتصادی یا توزیعی مسأله استخراج قاعده‌ای است برای توزیع موارد خواستنی (چیزهای مطلوب) میان افراد جامعه.^۱

قواعد و نظریه‌های عدالت اقتصادی را به‌طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف) قواعد ابزار محور^۲: در این دیدگاه‌ها بیش از همه به ویژگی برابری همگانی در برابر قانون و فراهم شدن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه و برخورداری یکسان افراد از مزیت‌ها و نامزیت‌ها تکیه می‌شود.^۳

ب) قواعد فرایند محور^۴: در این بررسی‌ها توجه عمده به روشی است که افراد برای سلطه به اموال به کار گرفته‌اند و معیار عدالت به کارگیری این قاعده است که محصول کار و فعالیت هرکس به خودش تعلق

1. Morris Silver, *Foundations of Economic Justice*, Basil Blackwell, 1989, p. 133.

2. means - oriented rules.

۳. نگاه کنید به

Serge Christophe Kolm, *Modern Theories of Justice*, The MIT Press, 1996, pp. 66-67.

4. process oriented rules.

گیرد و افراد برای فعالیت‌های اقتصادی از آزادی برابر برخوردار باشند.^۱

ج) قواعد نتیجه محور و غایت‌گرا^۲: برخی دیگر از نظریه‌پردازان عدالت در بررسی مسأله عدالت بیش از همه به بررسی نتایج حاصل و سهم‌بری افراد پرداخته‌اند. علاوه بر این، هنگامی که قاعده عدالت براساس ترجیحات افراد پی‌گیری می‌شود قاعده عدالت درون‌زا است و اگر براساس ترجیحات و سلیق دولت حاکم باشد، برون‌زا است.^۳

براساس نظریات متفکران اسلامی و نظریه‌پردازان عدالت در اندیشه‌های غربی می‌توان قواعد زیر را استنتاج کرد:

قاعدهٔ ۱. حق برخورداری برابر (برابری همگان در برخورداری از) منابع و ثروت‌های عمومی و مشترک.

قاعدهٔ ۲. سهم بری براساس میزان مشارکت در فرایند تولید (عدل طبیعی)

قاعدهٔ ۳. توازن نسبی درآمدها و ثروت‌ها در جامعه

دیدگاه‌هایی که اشاره شد هر یک به نحوی در اقتصاد اسلامی قابل طرح‌اند، هر چند دایرهٔ کاربرد و حدود تطبیق آن‌ها در مواردی بسیار محدود خواهد بود. اما در قاعده سوم عدالت، توجه اصلی به مصالح کلی نظام اجتماعی و جامعه است و به همین دلیل در این جا عدالت به معنای توازن و تناسب و "وضع بایسته" است. همان‌طور که تعاریف مطلق عدالت (اعطاء کل ذی حقه حقه، و وضع الشیء فی موضعه) در مورد افراد صادق است، در مورد جامعه و مصالح عمومی و اقتصاد جامعه نیز باید جاری باشد.^۴

دیدگاه سوم، به بیان دیگری در کتاب "نظریهٔ عدالت" جان رالز مطرح شده است. وی در تعیین قاعده برای عدالت بعد از تأکید بر اصل اولیه برخورداری یکسان افراد از آزادی‌های اساسی معتقد است نابرابری‌های اجتماعی تنها در صورتی قابل توجیه‌اند که اولاً بیشترین مزیت را به نفع محروم‌ترین قشرهای

۱. نگاه کنید به

Andrew Schotler, *Free Market Economics: A Critical Appraisal*, New York: St. Martin's Press, 1985, p. 89.

2. goal (end) oriented rules

3. M. Silver, op. cit. p. 133.

۴. برای اطلاع بیشتر از جزئیات دیدگاه‌های مذکور رجوع کنید به اصل تحقیق.

جامعه حاصل کنند؛ و ثانیاً پیوستن به مناصب و موقعیت‌های قابل دسترسی برای همه تحت شرایط برابری منصفانه فراهم آید. به این ترتیب، وی معیار حداکثرسازی رفاه برای پایین‌ترین قشر مردم را معیار عدالت معرفی می‌کند.

به بیان ریاضی، چنانچه رفاه جامعه (W) را تابعی از مطلوبیت افراد از کالاهای X_i بدانیم، مسأله عدالت عبارت است از:

$$\text{Maximin } (U_1, \dots, U_n) \quad (2)$$

و لذا تابع رفاه اجتماعی رالز به این صورت معرفی می‌شود^۱:

$$W = W(U_1, \dots, U_n) = \text{Min } \{U_1, \dots, U_n\} \quad (3)$$

یعنی رفاه اجتماعی تابعی از رفاه یا مطلوبیت فردی است که از پایین‌ترین سطح رفاه در جامعه برخوردار است.

به بیان دیگر اگر تابع رفاه W را به صورت تابع جمع‌پذیر زیر تعریف کنیم:

$$W = \delta_1 U_1 + \delta_2 U_2 + \dots + \delta_n U_n \quad (4)$$

در این تابع چنانچه رفاه فرد ها U_i یک واحد افزایش یابد، رفاه جامعه به اندازه δ_i افزایش می‌یابد. به همین دلیل، δ_i به عنوان وزن‌های اجتماعی مطرح می‌شوند.

در جامعه ایده‌آل رالز بالاترین δ از آن فردی است که کمترین مطلوبیت را از مصرف کالاها دارد و بقیه δ ها صفرند^۲.

از دیدگاه اسلامی این معیار به عنوان اولویت جامعه مطرح است اما همچنان که اشاره شد اسلام در برابر میزان برخورداری افراد جامعه ساکت نیست و لذا برقراری توازن نسبی از لحاظ سطح درآمد و معیشت‌ها را به عنوان هدف اصلی اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود. بر این اساس، اگر در رابطه (۴) U_i به عنوان δ_k مطلوبیت گروه‌های درآمدی و سطح معیشتی آن‌ها معرفی کنیم، با ضرب کردن وزن‌های اجتماعی (δ_i) در سطوح مطلوبیت (را U_i)، تابع رفاه اجتماعی به دست می‌آید. در این حالت، می‌توان یک سطح معیشت‌ها

1. Harvey S. Rosen, *Public Finance*, Second ed., Richard D. IRWIN, Inc. 1989, pp. 152-60.

2. M. Silver, op. cit, pp. 151-154.

U_k به عنوان سطح معیشت متوسط جامعه مطرح کرد. مسأله عدالت اقتصادی در این جا از دیدگاه اسلامی به این صورت است که به ازای $\delta_k > \delta_i$ ، δ_i ها به سمت δ_k کاهش یابند و به ازای هر $\delta_k < \delta_i$ ، δ_i به سمت δ_k افزایش یابند.

البته از آن جا که رابطه (۴) به صورت جمع پذیر تعریف شده است، این اشکال به این تفسیر وارد است که به انتقالات اختیاری درآمد میان افراد جامعه توجه ندارد و در حد دخالت دولت در تعدیل درآمدهای جامعه قابل توجیه است.

بنابراین، با فرض این که مطلوبیت مسلمین تحت تأثیر مطلوبیت سایر افراد جامعه قرار می‌گیرد، رابطه (۴) را می‌توان به صورت زیر نوشت و آن را به عنوان تعریفی از تابع رفاه اجتماعی در جامعه اسلامی مطرح کرد.

$$W = \delta_1 U_1 + \delta_2 U_2 + \dots + \delta_i U_i + \dots + \delta_j U_j + \dots + \delta_n U_n + \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m \delta_j \delta_i U_i U_j \quad (5)$$

جمله آخر رابطه (۵) بیانگر این نکته است که اگر در چارچوب تعالیم اسلامی انتقال درآمدی از فرد i به فرد j صورت پذیرد (مثلاً به صورت انفاق)، نه تنها رفاه جامعه کاهش نمی‌یابد بلکه به دلیل مثبت بودن $U_i U_j$ و براساس ضریب اهمیت این انتقال برای جامعه که در ضریب $\delta_i \delta_j$ منعکس می‌شود، در مجموع، رفاه جامعه افزایش می‌یابد.

در چنین وضعیتی بدیهی است افراد جامعه نسبت به موقعیت و وضعیت اقتصادی همدیگر حساسیت دارند و وضعیت خود را نیز براساس توانایی‌ها و شایستگی‌هایی که در خود ملاحظه می‌کنند با وضعیت دیگران مقایسه می‌کنند و هر یک از آن‌ها سطح برخورداری دیگران را با شایستگی‌ها و استحقاق آنان مطابقت می‌دهند. حال چنانچه آنان را مستحق این سطوح برخورداری تشخیص دهند، در آن صورت چنین تخصیصی را عادلانه تلقی خواهند کرد.

بنابراین، براساس دیدگاه اقتصاد رفاه اسلامی، تابع مطلوبیت جامعه براساس وزن‌ها و ضرایب اهمیتی شکل می‌گیرد که افراد جامعه نسبت به سطوح مطلوبیت یکدیگر قائل‌اند. در سطح تصمیم‌گیری کلان کشور نیز دولت اسلامی علاوه بر وظایف خاص خود در این زمینه به دیدگاه‌ها و ضرایب اهمیت مردم نسبت به سطوح رفاه همدیگر توجه خواهد داشت.

با توجه به این بحث، تابع رفاه اجتماعی در اقتصاد اسلامی براساس چارچوب داورهای ارزشی اقتصاد رفاه اسلامی و معیار عدالت اقتصادی تعریف می‌شود. چنانچه چنین تابعی در تخصیص کالاهای و

عوامل تولید مورد استفاده قرار گیرد، اقتصاد جامعه در وضعیت قوام و پایدار خود قرار خواهد گرفت.

۴. نظریه توزیع ثروت و درآمد از دیدگاه اسلامی الف) توزیع ثروت قبل از تولید

همان‌طور که در اصول تکوینی و تشریحی حاکم بر نظام عادلانه توزیع آمده است^۱، مالکیت حقیقی ملک هستی از آن خداست و بقیه مالکیت‌ها در طول و ظل مالکیت حقیقی خداوند قرار دارند و حق بهره‌برداری و استفاده از منابع و ثروت‌های طبیعی نیز براساس حقوق و ضوابط ویژه‌ای که از طرف خداوند تعیین گردیده به جامعه بشری داده شده است. براساس دیدگاه اقتصاد اسلامی سه نوع مالکیت قابل شناسایی است:

الف) مالکیت امام یا دولت اسلامی

ب) مالکیت عمومی و همگانی

ج) مالکیت عموم مسلمین

مسئله تداخل مصادیق مالکیت‌ها

دایره شمول این مالکیت‌ها با یکدیگر تداخل دارند و بین آن‌ها عموم و خصوص من وجه یا مطلق برقرار است. بعضی از مصادیق از یک نظر جزو انفال و مالکیت دولتی و از نظر دیگر جزو مشترکات و مالکیت عمومی هستند. از طرف دیگر، مالکیت خصوصی باهریک از مالکیت‌های عمومی یا دولتی عموم و خصوص مطلق دارد. هرچه وظایف و اقتدار دولت اسلامی بیشتر باشد، دایره مالکیت خصوصی ضیق و محدود خواهد بود.

در واقع، اصل بر همگانی و عمومی بودن ثروت‌ها است، اما به منظور حفظ توازن ثروت و جلوگیری از تداول آن بین اغنیا و مسانعت از شکاف عمیق میان طبقات درآمدی جامعه و اصلاح امور معیشتی مردم ("و اصلحو ذات بینکم" - انفال) اعتبار اصلی به مالکیت دولتی داده شده است تا خود از طریق "مالکیت" انفال یا "مدیریت" در مورد مشترکات، از اصل همگانی بودن ثروت پاسداری و از استفاده‌های انحصاری و احتکاری و ایجاد ضرر و اتلاف منابع و ثروت‌ها و منابع طبیعی جلوگیری کند. می‌توان گفت بسیاری از ضوابط مالکیت و مبادلات، و محدودیت‌هایی که به شکل‌های مختلف مقرر شده است، در همین خصوص، یعنی حفظ مصالح جامعه و "برای همه بودن" آن و استفاده بهینه و درست از آن‌ها است.

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به همان.

رابطه کار و مالکیت

اصول و مبانی حاکم بر نحوه تملک و بهره‌برداری از منابع و ثروت‌های طبیعی و احکام مربوط به آن نشانگر آن است که با توجه و تأکید ویژه بر ضرورت کار روی منابع اولیه برای فراهم ساختن مقدمات بهره‌برداری از آن، خود به خود نوعی تقسیم عادلانه در این منابع صورت می‌گیرد، اما این رابطه در چارچوب حقوق ویژه‌ای قرار دارد که از فلسفه انواع مالکیت در اسلام ناشی می‌شود.

بر این اساس، روابط حقوقی متفاوتی حاصل می‌شود که تابع نوع کار و نوع حقوق به دست آمده از کارند. مثلاً در مورد زمین، نوع کار که سبب مالکیت می‌شود، احیای آن است. اما در مورد سنگ، نوع کار مالکیت‌آور حیات آن است. بنابراین، یک رابطه انسانی می‌توان به شکل زیر تعریف کرد که:

$$(۶) \text{ نوع کار} = F \text{ نوع مالکیت}$$

با توجه به اصول حاکم بر توزیع ثروت‌ها و منابع طبیعی و مباحث مطرح شده می‌توان رابطه زیر را تعریف کرد:

$$(۷) \text{ ایجاد صورت تازه از طبیعت، محدودیت امکان بهره‌برداری} = F \text{ حق تصرف و بهره‌برداری فردی کار اقتصادی مفید و تولیدی}$$

ب) توزیع کارکردی، نظریه‌ای در روش اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید

در نظریه توزیع کارکردی، نحوه سهم‌بری عوامل تولید از نتایج فعالیت اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد. در این فصل سعی ما بر آن است که با استفاده از احکام روایتی و قواعد و روابط اساسی توزیع کارکردی استخراج می‌شود.

قیمت‌گذاری عوامل تولید

قیمت‌گذاری عوامل تولید در یک اقتصاد اسلامی با فرض تحقق شرایط عدالت اجتماعی در جامعه و توزیع منابع و امکانات عمومی بر اساس قاعده اول عدالت اقتصادی، بر مبنای قاعده دوم عدالت اقتصادی (سهم‌بری از تولید بر اساس ارزش افزوده‌ای که عامل تولید ایجاد کرده است) و در شرایط رقابتی شکل می‌گیرد.

قیمت نیروی کار (میزان دستمزد): معنای سهم‌بری به اندازه میزان تولید یا ارزش نهایی که کارگر

ایجاد کرده، این است که حاصل دسترنج هر فرد به خود او تعلق دارد و نمی‌توان ارزش کار فرد را به دیگری داد و به حساب دیگران منظور کرد. بنابراین، نمی‌توان حکم کلی کرد و ارزش نهایی تولید آخرین کارگر را که مقدار تولید را حداکثر می‌سازد مبنای تعیین دستمزد برای سایر کارگران قرارداد. با این همه، در صورتی که بتوان اثبات کرد که هدف حداکثرسازی سود برای تولیدکننده مسلمان قابل توجیه است، براساس قاعده یاد شده برای هر کارگر باید ارزش تولید نهایی او را پرداخت کرد، یعنی

$$\begin{aligned} W_1 &= VMP_1 \\ W_2 &= VMP_2 \\ &\vdots \\ &\vdots \\ &\vdots \\ W_n &= VMP_n \end{aligned} \quad (۸)$$

در رابطه (۸) W_1 به معنای نرخ دستمزد برای کارگر اول و VMP_1 ارزش تولید نهایی او است.

قیمت‌گذاری دارایی‌ها

۱. **دارایی‌های فیزیکی:** تمام دارایی‌های مولد که قابل استفاده مجدد و قابل اجاره‌اند، تحت عنوان کلی دارایی فیزیکی اعم از زمین، ساختمان (مستغلات) و ابزار تولید قابل تعریف است. برای این‌گونه اموال دو نوع قیمت‌گذاری وجود دارد: یا براساس نقشی که در تولید دارند بازده ثابتی به عنوان "اجاره" به آن‌ها تعلق می‌گیرد. بازدهی ثابت توافق شده حتی اگر فعالیت اقتصادی دچار زیان شود، قانونی است. نرخ اجاره براساس شرایط اقتصادی و ارزیابی طرفین عقد از آن تعیین می‌شود و چون ارزیابی افراد و همچنین نوع خدمات حاصل از آن‌ها متفاوت است، نمی‌توان در مورد قیمت دارایی فیزیکی حکم کلی کرد.

نرخ اجاره با هزینه‌های صاحب دارایی فیزیکی مرتبط است. ارزیابی صاحب دارایی فیزیکی از هزینه دارایی خود اولاً به درصد استهلاک دارایی فیزیکی و ثانیاً به هزینه فرصت از دست رفته او بستگی دارد. به این معنا که وی براساس برآوردی که از عواید به‌کارگیری دارایی خود در فعالیت تولیدی یا خدماتی دارد، را کدماندن دارایی خود را به عنوان هزینه فرصت تلقی می‌کند. به عنوان مثال، موجر یک واحد مسکونی چنانچه چند ماهی واحد خود را اجاره ندهد، در حالی که قبلاً هرماه یک میلیون ریال از واحد خود اجاره دریافت می‌کرد، در این حالت برای هرماه که آن واحد خالی مانده است، حداقل یک میلیون ریال هزینه فرصت از دست رفته محاسبه می‌کند.

براساس این استدلال، چنانچه درصد استهلاک دارایی فیزیکی را با h هزینه فرصت دارایی فیزیکی برای فرد i را با V_i و قیمت اولیه دارایی را با P_0 نشان دهیم، هزینه اقتصادی این دارایی برای فرد i (دارنده

آن را می‌توان چنین نشان داد:

$$TC_i = dP_c + \gamma P_c = P_c (d + V_i) \quad (9)$$

البته باید توجه داشت که تعمیم این نوع قیمت‌گذاری برای کل اقتصاد صحیح به نظر نمی‌رسد، لذا نمی‌توان همانند تحلیل‌های متعارف در اقتصاد (سرمایه داری) ارزش پولی دارایی فیزیکی را محاسبه کرد و براساس هزینه فرصت از دست رفته پول که نرخ بهره است، هزینه آن را محاسبه کرد. برای این‌که براساس تحلیل‌های اقتصاد اسلامی برای پول، نمی‌توان هزینه فرصتی به‌عنوان بهره در نظر گرفت بلکه بازدهی آن صرفاً در بازار دارایی‌های مالی مبتنی بر عقود شرعی و به‌صورت بعد از وقوع قابل تعیین است. از سوی دیگر، قیمت برآورد شده دارایی فیزیکی را می‌توان در تعادل با ارزش خدمات حاصل از آن برای استفاده‌کننده آن برابر دانست. چنانچه ارزش خدمات حاصل از آن را با $V_{A_i}^j$ نمایش دهیم، در تعادل رابطه زیر صادق است.

$$V_{A_i}^j = P_c (d + V_i) \quad (10)$$

از رابطه (۱۰) واضح است که اگر قیمت دارایی فیزیکی فرد i کمتر از $V_{A_i}^j$ تعیین شود وی این عامل را عرضه نخواهد کرد.

۲. **دارایی‌های مالی:** در اقتصاد اسلامی دارایی‌های مالی با وجوه سرمایه‌گذاری همانند پول نقد زمانی عایدی خواهند داشت که براساس عقود شرعی (اسلامی) در فعالیت مشروع اقتصادی به جریان افتد. براساس عقود مشارکتی اسلامی نظیر مضاربه و مشارکت به‌صورت قبل از وقوع و هنگام عقد قرارداد فقط سهم سود برای دارایی مالی قابل تعیین است. البته سهم سود به قدرت چانه‌زنی طرفین قرارداد و میزان ارزیابی آنان از متوسط نرخ سود در سایر فعالیت‌های اقتصادی و سایر انگیزه‌ها از قبیل حفظ سهم بازار یا انگیزه‌های انسانی بستگی دارد. مهم‌ترین عامل از لحاظ قیمت‌گذاری از لحاظ تقاضا بازدهی عامل و از لحاظ عرضه کمیابی آن است.

اگرچه در این قراردادها تنها بر سهم سود توافق می‌شود اما در عین حال هر یک از عرضه‌کنندگان وجوه سرمایه‌گذاری یا تقاضاکنندگان آن براساس پیش‌بینی خود از جریان سرمایه‌گذاری و بازدهی آن رفتار می‌کنند و اغلب آنان براساس نرخ متوسط بازدهی در دوره‌های گذشته تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر چنین نرخ‌ها را با π_e^j (نرخ سود انتظاری از فعالیت j) نمایش دهیم، بنابراین نرخ بازدهی انتظاری برای فرد i می‌توان چنین برآورد کرد.

$$r_{ie}^j = \frac{\pi_e^j \cdot A_{2i}^j}{A_{12}^j} \quad (11)$$

A_{2i}^j مقدار دارایی مالی تخصیص یافته از طرف فرد i به فعالیت j از A_{2i}^j کل دارایی‌های مالی به کار گرفته شده در فعالیت j است.

با فرض مذکور، حجم سود انتظاری فرد i از فعالیت j چنین محاسبه می‌شود:

$$R_{ie}^j = r_{ie}^j A_{2i}^j \quad (12)$$

ج) توزیع مجدد ثروت و درآمد در اقتصاد اسلامی

اگرچه می‌توان قبول کرد که نیروهایی در سیستم توزیع وجود دارند که منجر به توزیع نابرابر درآمد و ثروت می‌شوند، اما همزمان نیروهای دیگری نیز وجود دارند که تمایل بیشتری در جهت برابری ایجاد می‌کنند. برای مثال، یک منبع نابرابری اقتصادی، مالکیت خصوصی ابزار تولید است. هرچند در اقتصاد اسلامی حق شخص برای مالکیت کالا به‌عنوان حقی مطلق ملاحظه نشده و قیودی بر مالکیت او تحمیل می‌شود، اما باید قبول کرد که در هر حال قسمت مهمی از منابع جامعه به وسیله بخش خصوصی تصاحب و مدیریت می‌شود. این مسأله احتمالاً موجب عدم توازن درآمد می‌شود. از طرف دیگر، تمامی امور مربوط به زکات، القای بهره، روح همکاری و مشارکت مشتاقانه در ثروت با مساکین و فقرا و... کاهش نابرابری‌های اقتصادی را هدف گرفته‌اند.^۱

در کنار جریان توزیع کارکردی در اقتصاد، به‌عنوان مکمل، قانون ارث، مالیات‌ها (انفاقات)، پرداخت‌های انتقالی و جز آن از جمله ابزارهایی هستند که به وسیله آن‌ها درآمد حاصل در اقتصاد توزیع مجدد می‌شود.

اهداف توزیع مجدد از اقتصادی به اقتصاد دیگر فرق می‌کند و تحت تأثیر اقتصاد دستوری خاص هر اقتصادی قرار می‌گیرد. در اقتصاد اسلامی، هدف اولیه از توزیع مجدد ثروت‌ها و درآمدها این است که از تمرکز درآمد و ثروت در دست تعدادی اندک جلوگیری شود.^۲ از طرف دیگر، اسلام برای تنظیم دستگاه توزیع فقط به کار اکتفا نمی‌کند، بلکه نیاز اصل اساسی در بخش و توزیع ثروت‌های تولید شده بین

1. Zubair Hassan, *Distributional Equity in Islami*, Bangladesh, p.26.

2. Ali Akkas, "Size Distribution of Income and Wealth in an Islamic Framework" *Thoughts of Economics*, Vol. 8, No. 3-4, 1987, p.72.

ابزارهای توزیع مجدد

ابزارهای توزیع مجدد در اقتصاد اسلامی بر دو نوع است:

۱. انتقال بین اشخاص (از اموال اشخاص و اموال جامعه)

انتقال بین اشخاص را می‌توان سه نوع ذکر کرد: الف) انتقال ارث، ب) انتقال اجباری (خمس، و زکات و...)، ج) انتقال اختیاری (انفاقات)

در نظام اقتصادی اسلامی نوع خاصی از مالیات‌ها وجود دارد که مخصوص این نظام است. این نوع از حقوق مالی نظیر خمس و زکات به عین اموال افراد تعلق می‌گیرند و در نتیجه افراد اگر سهم فقرا و مساکین را از اموال خود نپردازند حق تصرف از آن اموال را ندارند. به عبارت دیگر، تصرف آنان در اموال خود قبل از پرداخت این سهام نامشروع است و جایز نیست.

این مالیات‌های اجباری در اسلام که حداکثر آن ۲۰ درصد و حداقل آن ۲/۵ درصد است، شامل زکات، خمس (سهم سادات)، خراج، جزیه، کفارات و مواردی نظیر نذورات مالی و فدیة می‌شوند.

۲. انتقال از طریق اموال دولتی

دولت یا حکومت اسلامی علاوه بر وظیفه نظارت و مدیریتی که بر اکثر ثروت‌های موجود در جامعه و طریقه توزیع آن دارد - که در بحث پیشین با عنوان انتقال اجباری بحث شد - بر بخش مهمی از منابع ثروت مالکیت دارد، که این مالکیت در طول مالکیت حقه حقیقیه ذاتیه الهی است. به عبارت دیگر، در جامعه اسلامی ثروت‌هایی وجود دارند که به حسب اعتبار قانونی، تحت مالکیت دولت اسلامی و ولی امر مسلمین قرار دارند. این ثروت‌ها در یک نگاه کلی شامل خمس (قسمت سهم امام) و اقسام گوناگون انفال هستند. از طرف دیگر، دولت اسلامی می‌تواند مالیات‌های اضافی دیگری نیز در صورت ضرورت وضع کند.

طبق نظر مشهور فقهای، حکومت اسلامی مالک مباحات عامه به‌شمار نمی‌رود بلکه بر آن‌ها نظارت دارد. به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که دست حکومت اسلامی برای نظم بخشیدن به نحوه استفاده از آن‌ها باز است و می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب و دقیق جلوگیری از سوء استفاده از این منابع

۱. محمد یوسف حریری، اسلام و نظام اقتصادی، انتشارات امیری، ۱۳۶۲، ص ۲۶۲؛ باقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم

برمی‌آیند، بگیرد و اجازه ندهد از این منابع به صورت انحصاری و بی‌رویه بهره‌برداری شود.

بیان ریاضی وضعیت متوازن در جامعه اسلامی

به بیان ریاضی، چنانچه تفاوت‌های درآمدی افراد i (n فرد با درآمدهای بالاتر از متوسط درآمد جامعه) از افراد j (k فرد با درآمدهای پایین‌تر از متوسط درآمد جامعه) را در زمان‌های مختلف با عبارت $Var(Y_i - Y_j)_t$ و تفاوت‌های سطوح مصرفی این افراد را با عبارت $Var(C_i - C_j)_t$ نشان دهیم، می‌توان نوشت:

$$Var(C_i - C_j)_t < Var(Y_i - Y_j)_t \text{ یا } \sigma_C < \sigma_Y \quad (۱۳)$$

در این رابطه موارد زیر برقرار است:

$$\text{زمان } t = 1, 2, \dots, m$$

$$\text{فرد } i = 1, 2, \dots, n \text{ با درآمد بالاتر از متوسط}$$

$$\text{فرد } j = 1, 2, \dots, k \text{ با درآمد کمتر از متوسط}$$

$$n < k$$

$$C_i > C_j \text{ سطوح مصرفی}$$

$$Y_i < Y_j \text{ سطوح درآمدی}$$

۵. الگوی ساده توزیع درآمد ملی (در نظام اقتصاد اسلامی)

الف) معادله‌های ثروت

۱. تعریف متغیرها و روابط

W_i = نرخ دستمزد عادلانه برای فرد i (یا گروه) i (عامل i)

P = قیمت کالای تولیدی

MP_L^i = بازدهی نهایی نیروی کار عامل i

L_i = حجم یا ساعات کار عامل i

d = نرخ استهلاک سرمایه ثابت

OP = هزینه فرصت معطل نگه داشتن دارایی نقدی (کاهش ارزش پول) =

$\bar{\gamma}$ = متوسط نرخ سود واحدهای تجاری

$a_i = i$ = نرخ اجاره برای دارایی فیزیکی i

$A_{1i} = i$ = دارایی فیزیکی که عامل i دارد

$A_{2i} = i$ = دارایی نقدی فرد i

d = نرخ استهلاک دارایی فیزیکی

V = هزینه فرصت دارایی فیزیکی

$H_i = i$ = حجم ثروت انباشته فیزیکی فرد i

$M_i = i$ = حجم ثروت انباشته نقدینه فرد i

$WL_i = i$ = حجم ثروت فرد i

r = نرخ بهره

$r_i^j = j$ = نرخ بازدهی فرد i از فعالیت j

$R_{it}^j = j$ = حجم سود فرد i از فعالیت j

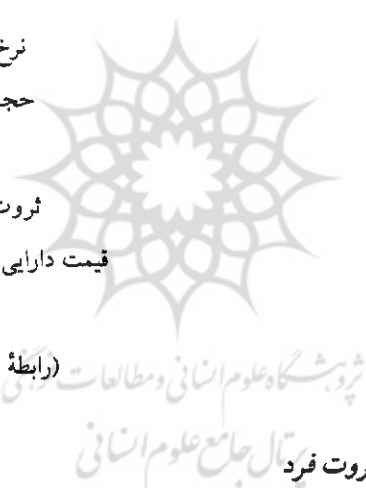
$t = t$ (دوره) زمان

$WL_t = t$ = ثروت کل جامعه در دوره t

$P_c^j = i$ = قیمت دارایی فیزیکی A_1^j برای فرد i

$W_i = P.MP_L^i$ (رابطه ۸)

$V_{ALi}^j = P_c^j (d + V_i)$ (رابطه ۱۰)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

۲. عوامل تعیین‌کننده ثروت فرد

ثروت فرد از راه‌های زیر حاصل می‌شود:

(الف) از نیروی کار او به‌عنوان نیروی کار ساده یا خدمات کارفرمایی

(ب) از اجاره دارایی‌های فیزیکی او

(ج) از به‌کار انداختن دارایی‌های نقدی خود در قراردادهای مشارکتی

(د) از افزایش قیمت ثروت انباشته فیزیکی او که بر اثر تورم حاصل می‌شود (این ثروت براساس اصل

ثبات مالکیت و اصل تبعیت‌نم از اصل مشروع است.)

(ه) افزایش ثروت از طریق عواید بازار پول

البته این افزایش ثروت از دیدگاه اسلامی حرام است. اما واقعیت آن است که چنانچه موازین اسلامی

برقرار نشود و فرد ثروت انباشته نقدی نگهداری کند، از یک طرف به اندازه هزینه فرصت به کارگیری آن در فعالیت‌های مشروع مشارکتی ضرر می‌کند، و از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که از طریق عملیات ربوی به افزایش ثروت خود ادامه دهد.

جمع‌آوری ثروت از طریق روش‌های (الف)، (ب)، و (ج) کاملاً مجاز است و با توجه به بحث‌هایی که در تعیین الگوی نظری نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد به عمل آمد، درآمدهای حاصل نیز عادلانه‌اند، اما منشأ اصلی نابرابری کسب ثروت از طریق (د) و (ه) است. افزایش ثروت انباشته فیزیکی در اثر تورم و کاهش ارزش پول (در اثر افزایش نقدینگی) به وجود می‌آید. تورم اگرچه در اثر قیمت‌گذاری ناعادلانه در بازار غیراسلامی به وجود می‌آید، اما امروزه در اثر افزایش تأثیرگذاری دولت‌ها و عدم استقلال بانک‌های مرکزی در جهت حفظ ارزش پول بیش از همه در اثر افزایش پایه پولی به وجود می‌آید.

یکی دیگر از عوامل نابرابری که موجب اختلال در جریان سالم وجوه سرمایه‌گذاری و سرمایه‌های نقدی می‌شود، کنز و انباشت ثروت نقدینه است که موجب عملیات سفته بازی پول می‌شود. این عامل بیش از همه به علت جریان ناسالم اقتصاد در اثر افزایش نقدینگی و کاهش ارزش پول به وجود می‌آید که موجب کاهش نرخ سود واقعی فعالیت‌های تولیدی می‌شود. لذا افراد به جای کسب درآمد از روش‌های مجاز به خرید و نگهداری کالاهای فیزیکی بادوام (افزایش ثروت انباشته فیزیکی) یا عملیات سفته بازی یا اختلال در روند سالم قیمت سهام و یا قیمت کالاها در اثر ایجاد عرضه یا تقاضای مصنوعی روی می‌آورند.

۳. روابط ثروت

بنا بر آنچه گفته شد، حجم ثروت فرد در دوره t را می‌توان با رابطه زیر نشان داد:

ثروت یک فرد (رابطه ۱۴)

$$WL_{it} = w_i L_{it} + a_i A_{iit} + \sum_{j=1}^m \rho_i^j R_{it}^j + (1-d + \pi) H_{it} + (1-op + r) M_{it}$$

حال اگر رابطه (۱۴) را برای همه افراد جامعه جمع کنیم، که فرض می‌شود از یک تا n نفر هستند، ثروت کل بخش خصوصی به دست می‌آید. بدیهی است همه جملات این رابطه برای هر فرد صادق نیست و لذا برخی جملات مساوی صفر یا بسیار ناچیز خواهند بود:

$$WL_t = \sum_{i=1}^n W_i L_{it} + \sum_{i=1}^n a_i K_{it} + \sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m \rho_i^j R_{it}^j + (1-d + \pi) H_t + (1-op + r) M_t$$

ثروت کل بخش خصوصی (رابطه ۱۵)

البته WL_t غیر از ثروت ملی است. برای محاسبه ثروت ملی در نظام اقتصادی اسلامی لازم است ارزش انقالی را که در اختیار دولت اسلامی قرار دارد به رابطه (۱۵) اضافه کنیم. چنانچه در A_k را مقدار فیزیکی مورد انقال فرض کنیم، ارزش آن از ضرب قیمت سایه‌ای متناظر آن به (Z_k) آن حاصل می‌شود و اگر برای همه موارد انقال حساب کنیم، لازم است جمله ششمی را به شکل کنیم، $\sum_{k=1}^K Z_k A_k$ رابطه (۱۵) اضافه یعنی:

(رابطه ۱۶)

$$WL_t = \sum_{i=1}^N W_i L_{it} + \sum_{i=1}^n a_i K_{it} + \sum_{i=1}^n \sum_{s=1}^m \rho^s R_{it}^j + (1+\pi) H_t + (1-op+tr)M_t + \sum_{k=1}^K Z_k A_k$$

۴. آثار و تبعات تحلیلی روابط ثروت

۱. با افزایش قیمت‌ها و میزان تورم، ثروت اسمی افزایش می‌یابد. اگرچه ثروت واقعی تغییر نمی‌کند. در عین حال، این افزایش اسمی به‌طور یکسان در مورد همه افراد صدق نمی‌کند و تناظر یک به یک وجود ندارد، به همین دلیل دارندگان ثروت انباشته فیزیکی از این افزایش قیمت منتفع می‌شوند و ثروت آنان در مقایسه با دیگر افرادی که از این ثروت‌ها برخوردار نیستند یا کمتر دارند، افزایش می‌یابد.

۲. با افزایش قیمت‌ها و ایجاد تورم در جامعه، قدرت خرید ثروت نقدینه (پول) کاهش و هزینه فرصت نگهداری پول افزایش می‌یابد. به همین دلیل، در بازار پول (بازار غیرمجاز) نرخ بهره افزایش می‌یابد تا افزایش هزینه فرصت نگهداری پول را جبران کند. با کاهش ارزش پول (ثروت نقدینه) افراد به جای نگهداری پول به خرید کالاهای بادوام، ارز خارجی، سکه و همچنین عملیات سفته بازی روی می‌آورند و همین امر با افزایش قیمت ثروت‌های انباشته فیزیکی و کالاها و خدمات موجبات کاهش بیشتر ارزش پول ملی را فراهم می‌سازد و این خطر را رفته رفته ایجاد می‌کند که پول وظیفه وسیله مبادله بودن خود را از دست بدهد. از سوی دیگر، افزایش عملیات سفته بازی پول موجب عدم به‌کارگیری پس انداز ملی در جهت سرمایه‌گذاری می‌شود ($S > I$). بنابراین، هر سیاستی که به کاهش ارزش پول و ایجاد تورم در جامعه منجر شود آثار سوء اقتصادی را به دنبال خواهد داشت و نابرابری به‌طور تصاعدی افزایش خواهد یافت.

۳. تحلیل‌هایی که صرفاً به تغییر سطوح درآمدی افراد و گروه‌ها توجه دارند، نمی‌توانند همه واقعیت نابرابری را توضیح دهند بلکه در واقع به بررسی تغییرات سه جمله اول روابط ۱۴ و ۱۵ اکتفا کرده‌اند که فقط نشانگر تغییرات سطوح درآمدی افراد و گروه‌ها در دوره مورد بررسی‌اند.

۴. روابط یاد شده صرفاً نشانگر وضعیت ایده‌آل نیستند (روال الگوهای نظری اغلب بیان وضعیت

مطلوب است) بلکه دو جمله هر دو رابطه بیانگر عملکرد غلط سیستم اقتصادی است و لذا معیاری است برای داوری دربارهٔ عملکرد نظام اقتصادی و به ویژه عملکرد دولت و تصمیم‌گیرندگان آن. به این معنا که در دولت لایق این دو مقدار چنان جلوه‌ای ندارند و بازار حالت طبیعی دارد (که مورد تأیید اسلام است) اما دولت نالایق موجبات فعال شدن و مطرح گشتن بازار پولی و انحراف سیستم اقتصادی از حالت طبیعی آن (کسب درآمد براساس سه جملهٔ اول روابط) را فراهم می‌سازد.

۵. بنا بر آنچه گفته شد، محاسبات اقتصادی و حساب‌های ملی شایسته است از طریق روش‌های آماری تغییرات ثروت انباشتهٔ فیزیکی و نقدی را برای تصمیم‌گیری اقتصادی گزارش کنند.

۶. در رابطه (۱۶) جملهٔ دیگری با عنوان ارزش انفال $\sum_{k=1} Z_k A_k$ اضافه کرده‌ایم که نشانگر وجه تمایز اصلی جایگاه دولت اسلامی در مقایسه با نقش و جایگاه دولت در نظام سرمایه داری است. تأثیر این جمله در نابرابری تأثیری دو سویه است، به این معنا که دولت لایق (مجموعهٔ دستگاه ولایت فقیه و دستگاه دولت) اسلامی می‌تواند با جلوگیری از استفادهٔ انحصاری که از انفال و به کارگیری آن‌ها در موضع قوامی (قاعدهٔ دوم) در مرحلهٔ توزیع مجدد درآمد نقش مهمی در رفع نابرابری داشته باشد. از طرف دیگر، دولت نالایق با استفادهٔ غیربهبینه از این منابع ثروت موجبات ائتلاف منابع مالی یا توزیع نابرابر آن‌ها را فراهم می‌کند.

تحلیل عملکرد دولت از این نظر مستلزم تهیهٔ آمارهای دقیق از عملکرد دولت در نحوهٔ بهره‌برداری از این منابع است.

ب) الگوی ساده توزیع درآمد ملی (در نظام اقتصادی اسلامی)

۱. مفروضات الگو

۱. با توجه به ویژگی عقود اسلامی، در یک جامعه اسلامی دو شیوه کسب درآمد وجود دارد: (الف) اجرت ثابت (بدون مشارکت در ریسک فعالیت اقتصادی)؛ (ب) مشارکت در منافع (مشارکت در ریسک فعالیت اقتصادی).

۲. براساس سنت بعد کینزی (نظیر مدل‌های کالدور و رابینسون)، فرض می‌کنیم صاحبان درآمدهای جامعه از دو گروه مزد بران و سود بران تشکیل شده‌اند. با این تقسیم‌بندی درآمدهای حاصل از اجاره دارایی ثابت نیز در تقسیم سودها محاسبه می‌شود و لذا اطلاق عبارت «شبه سود» به این نوع از درآمدها مناسب‌تر است. اما برای ساده‌سازی تماماً از واژه «سود» استفاده می‌کنیم. کارگران و کارمندان ساده‌نمایندهٔ مزدبران و از طرف دیگر، مدیران عالی رتبه، کارفرمایان و صاحبان سهام به‌عنوان سودبران دسته‌بندی

می‌شوند.

۳. فرض می‌کنیم کارگران از هر دو روش کسب درآمد استفاده می‌کنند، یعنی هم اجرت ثابت دریافت می‌دارند و هم در قسمتی از سود شریک می‌شوند.^۱ البته واضح است توجه ما به عملکرد کلی کارگران است، و در عمل ممکن است گروهی از آنان به‌عنوان کارگران ساده فقط دستمزد مقطوع بگیرند و برخی در سود مشارکت کنند و بعضی دیگر از هر دو روش کسب درآمد بهره بگیرند.

۴. در این مرحله صرفاً تأثیر فرض سوم را در الگو بررسی می‌کنیم که به‌عنوان تغییر قابل ملاحظه‌ای در مدل کالدور تلقی می‌شود. فرض براین است که کارگران برحسب سهم بری از سود علاوه بر رفتار مصرفی رفتار پس‌انداز نیز دارند.

۵. در این مرحله نقش دولت و در نتیجه تأثیر مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی را نادیده می‌گیریم. البته در تحلیل و بررسی الگو به این جنبه نیز توجه خواهیم داشت.

۲. معرفی متغیرها

I = حجم سرمایه‌گذاری

Y = درآمد ملی

MPC_L = میل نهایی به مصرف‌کنندگان β

W = حجم کل دستمزدها

π = حجم کل سود

MPS_L = میل نهایی به پس‌انداز کارگران $(1-\beta)$

α = سهم سود کارگران

$MPC\pi$ = میل نهایی به مصرف سودبران γ

$(1-\alpha)$ = سهم سود کارفرمایان

$MPS\pi$ = میل نهایی به پس‌انداز سودبران $(1-\gamma)$

C_w = مصرف کل کارگران

$P = \frac{\pi}{Y}$ = نرخ سود

S_w = پس‌انداز کل کارگران

F = مواد اولیه به کار رفته در تولید

C = مصرف کل سودبران

سطح تکنولوژی T

S^{π} = پس‌انداز سودبران

سهم دستمزد بران از درآمد ملی $W = \frac{W}{Y}$

C^{π} = مصرف کل

نرخ مارک آب K

S = پس‌انداز کل

۱. ایده اصلی این بحث از این منبع گرفته شده است: توتونچیان، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، صص ۵۹۵ -

نظریه‌ای در تبیین مبانی نظری توزیع ... ۱۰۶

$$\pi = \text{سطح عمومی قیمت‌ها} = \alpha < 1$$

$$\pi_\alpha = \text{نرخ سود انتظاری} = \beta < 1$$

$$A\pi_\alpha = \text{بازده متوسط مورد انتظار} = \gamma < 1$$

$$b = \frac{\pi}{A} = \text{سهم سود سرمایه‌گذار از دارایی}$$

C_e = سطح تقاضای مورد انتظار برای کالاهای مصرفی

I_e = سطح تقاضای مورد انتظار برای کالاهای سرمایه‌ای

۳. روابط الگو

$$Y = W + \pi \quad (17)$$

$$Y = C + I = C + S \quad (18)$$

$$Y - C = I \quad (19)$$

حال اگر مفروضات مدل را وارد کنیم خواهیم داشت:

$$Y = W + [\alpha\pi + (1-\alpha)\pi] = (W + \alpha\pi) + (1-\alpha)\pi \quad (20)$$

در رابطه (۲۰) $W + \alpha\pi$ درآمد کارگران و $(1-\alpha)\pi$ درآمد کارفرمایان و صاحبان سهام است.

$$C_w = \beta + (W + \alpha\pi) \quad (21)$$

$$S_w = (1 - \beta)(W + \alpha\pi) \quad (22)$$

$$C\pi = \gamma(1 - \alpha)\pi \quad (23)$$

$$S\pi = (1 - \gamma)(1 - \alpha)\pi \quad (24)$$

در حالت تعادل، حجم پس‌انداز کل با حجم سرمایه‌گذاری کل برابر است. توضیح این‌که از آن‌جا که در یک اقتصاد اسلامی تقریباً همه پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری سوق داده می‌شود و عملیات سفته‌بازی در بازار پولی وکنز ممنوع است، اشکال مربوط به رابطه ویکسل که براساس آن به دلیل وجود کنز و با نگهداری پول در نظام سرمایه‌داری برابری S و I میسر نمی‌شود، وارد نیست^۱. این‌همه، چنانچه بخش محدودی از پس‌اندازها به سرمایه‌گذاری تبدیل نشود، از آن‌جا که همه وجوه سرمایه‌گذاری از طریق

پس‌انداز تأمین نمی‌شود و برخی از کارفرمایان علاوه بر منابع خارجی (پس‌انداز دیگران) از وجوه داخلی شرکت از قبیل سود توزیع نشده و درآمدهای شرکت نیز استفاده می‌کنند، لذا امر اشاره شده اختلال چندانی در برابری I و S ایجاد نمی‌کند. براساس این استدلال، در حالت تعادل می‌توان نوشت:

$$S = S_w + S_\pi = (1-\beta)(W + \alpha\pi) + (1-\gamma)(1-\alpha)\pi = I \quad (25)$$

براساس رابطه (۲۵) می‌توان سهم سود، سهم دستمزد و ضریب تقاضای سرمایه‌گذاری را در اقتصاد اسلامی استخراج کرد.

۴. سهم سودها و سهم دستمزدها از درآمد ملی

چنانچه در رابطه (۲۵) به جای Y, π, W را جایگزین کنیم، می‌توان نوشت:

$$(1-\beta)[(Y-\pi) + \alpha\pi] + (1-\gamma)(1-\alpha)\pi = I$$

$$(1-\beta)[Y - (1-\alpha)\pi] + (1-\gamma)(1-\alpha)\pi = I$$

$$(1-\beta)Y - (1-\beta)(1-\alpha)\pi + (1-\gamma)(1-\alpha)\pi = I$$

$$(1-\beta)Y + [(1-\gamma) - (1-\beta)](1-\alpha)\pi = I$$

$$(1-\beta) + [(1-\gamma) - (1-\beta)](1-\alpha)\frac{\pi}{Y} = \frac{I}{Y}$$

$$[(1-\gamma) - (1-\beta)](1-\alpha)\frac{\pi}{Y} = \frac{I}{Y} - (1-\beta)$$

$$\frac{\pi}{Y} = \frac{I}{(1-\alpha)[(1-\gamma) - (1-\beta)]} \cdot \frac{1}{Y} - \frac{1-\beta}{(1-\alpha)[(1-\gamma) - (1-\beta)]}$$

$$\frac{\pi}{Y} = \frac{I}{(1-\alpha)(MPS_{\pi 1} - MPS_L)} \cdot \frac{1}{Y} - \frac{MPS_L}{(1-\alpha)(MPS_\pi - MPS_L)} \quad \text{یا (26)}$$

و به همین ترتیب، می‌توان سهم دستمزدها در درآمد ملی را نیز از رابطه $\frac{W}{Y} = I - \frac{\pi}{Y}$ به دست آورد. نکته قابل توجه در رابطه (۲۶) آن است که هرچه میزان سهم سود سودبران $(1-\alpha)$ کوچک‌تر باشد، سهم سودها در درآمد ملی افزایش خواهد یافت، به این دلیل که امکان مشارکت افراد بیشتری را فراهم

می‌سازد و لذا حجم سودها را در کل افزایش می‌دهد.

۵. ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری

براساس رابطه (۲۵) چنانچه $s = \frac{S}{Y}$ میل نهایی به پس انداز را به دست آوریم و نیز $W = Y - \pi$ را جایگزین کنیم، می‌توان نوشت:

$$s = MPS = \frac{S}{Y} = \frac{(1-\beta)}{Y} [(Y-\pi) + \alpha\pi] + (1-\gamma)(1-\alpha) \frac{\pi}{Y} \quad (27)$$

$$= \frac{(1-\beta)}{Y} [Y-(1-\alpha)\pi] + (1-\gamma)(1-\alpha) \frac{\pi}{Y}$$

$$= (1-\beta) + [-(1-\beta)(1-\alpha)] \frac{\pi}{Y} + (1-\gamma)(1-\alpha) \frac{\pi}{Y}$$

$$s = MPS = (1-\beta) + (1-\alpha)[(1-\gamma)-(1-\beta)] \frac{\pi}{Y} = 1-MPC \quad (28)$$

حال اگر رابطه (۲۸) را در رابطه معروف کینزی $D = \frac{I}{s}$ که معرف سطح تعادلی درآمد ملی است

جایگزین کنیم، می‌توان نوشت:

$$D = Y = \frac{1}{(1-\beta) + (1-\alpha)[(1-\gamma)-(1-\beta)]} \frac{\pi}{Y} \cdot I$$

یا

$$D = Y = \frac{1}{(1-\beta) + (1-\alpha)[(MPS_{\pi} - MPS_L)]} \frac{\pi}{Y} \cdot I \quad (29)$$

بر این اساس ضریب تکاثر سرمایه‌گذاری K_I در سیستم اقتصاد اسلامی خواهد بود:

$$K_I = \frac{\Delta Y}{\Delta I} = \frac{1}{(MPS_L + (1-\alpha)(MPS_{\pi} - MPS_L)) \frac{\pi}{Y}} = \frac{1}{MPS} = \frac{1}{1-MPC} \quad (30)$$

فرق روابط (۲۹) و (۳۰) با روابط مربوط به اقتصاد متعارف [سرمایه‌داری در اندازه I و نیز در جمله

$(1-\alpha)$ است، به طوری که براساس مدل کالدور^۱ این روابط را می‌توان چنین نوشت:

$$D^1 = Y^1 = \frac{1}{MPS_L + (MPS_{\pi} - MPS_L) \frac{\pi}{Y}} \cdot I^1 \quad (31)$$

$$K^1 I = \frac{\Delta Y^1}{\Delta I^1} = \frac{1}{MPS_L + (MPS_{\pi} - MPS_L) \frac{\pi}{Y}} \cdot 1 = \frac{1}{MPS^1} = \frac{1}{1 - MPC^1} \quad (32)$$

۶. تحلیل و بررسی روابط

تفاوت جملات (۲۹) و (۳۰) با جملات (۳۱) و (۳۲) را می‌توان به شرح زیر مورد بحث قرار داد:

۱. مقایسه روابط (۳۰) و (۳۲) نشانگر آن است که اندازه ضریب تقاضای سرمایه‌گذاری در نظام اقتصادی اسلامی بالاتر از نظام اقتصادی سرمایه‌داری است، به این دلیل که نقش جمله مربوط به سهم سود $\frac{\pi}{Y} =$ کارفرمایان است که اندازه آن بین صفر و یک در تغییر است و همین امر باعث می‌شود که مخرج کسر در رابطه (۳۰) کمتر از رابطه (۳۲) شود. به عنوان مثال، چنانچه $\frac{1}{10} = MPS_L$ و $MPS_{\pi} = \frac{4}{10}$ و $\frac{Y}{10}$ و $\frac{1}{10} = (1-\alpha)$ فرض شود، در نتیجه $K^1 I = 4/43$ و $K^1 I = 3/23$ بود که مؤید این مطلب است. به دلیل، دورنمای سرمایه‌گذاری و رشد در اقتصاد اسلامی امید بخش‌تر است. در رابطه مربوطه به ضریب تکاثر تقاضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی، میزان سهم‌بری از سود کارفرمایان و مدیران عالی رتبه منعکس شده که بیانگر تأثیر عوامل اخلاقی در اندازه ضریب تکاثر است.

۲. با فرض ثبات سایر متغیرها، هرچه سهم سود کارفرمایان $(1-\alpha)$ کاهش یابد، ضریب تقاضای سرمایه‌گذاری بالاتر خواهد بود؛ به این دلیل که با کاهش سهم سود کارفرمایان سهم سود کارگران افزایش می‌یابد و امکان توزیع بیشتر سود در میان مجموعه بیشتری از افراد جامعه میسر می‌شود و بر اثر آن ضریب تقاضای سرمایه‌گذاری نیز به دلیل افزایش تقاضای کالا و خدمات بالا می‌رود. به عبارت دیگر، با توزیع

۱. برای مطالعه مدل کالدور، نگاه کنید به

N.Kaldor, "Alternative Theories of Distribution", *The Review of Economic Studies*, 61, 1955-1956, pp. 83-101.

J. Marchel, "Rapport on Congres des Economistes de La langue Francaise", *Revue d'Economic Politique*, 70 Mais Duin, 1960, Paris, Sitey, pp. 470-490.

عادلانۀ سودها در جامعه و عدم تداول آن در میان کارفرمایان و مدیران رده بالا (کی لایکون دولة بین الاغنیاء منهم) تقاضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد بالاتر می‌رود که لازمهٔ رشد تولید در اقتصاد است.

۳. با ثبات میل‌های نهایی مربوط به پس‌انداز، یعنی MPS_L و MPS_{π} ، افزایش تقاضای سرمایه‌گذاری منوط به کاهش سهم سودبران در درآمد ملی $(\frac{\pi}{Y})$ و یا افزایش $\frac{W}{Y}$ است. به‌عنوان مثال، براساس مقادیر فرضی متغیرهای مورد اشاره، با تغییر اندازه $\frac{\pi}{Y}$ در درآمد ملی، ضریب سرمایه‌گذاری به شرح زیر تغییر می‌یابد.

$$\frac{\pi}{Y} = \frac{1}{10} \Rightarrow K_I = 4/8$$

$$\frac{\pi}{Y} = \frac{1}{10} \Rightarrow K_I = 4/4$$

$$\frac{\pi}{Y} = \frac{1}{10} \Rightarrow K_I = 4/1$$

کاهش سهم سودبران در درآمد ملی و افزایش سهم مزدبران در یک نظام اقتصادی بیش از همه به نحوهٔ قیمت‌گذاری کالاها و خدمات بستگی دارد. بدیهی است در نظامی که عادلانه‌تر است و قیمت‌گذاری براساس انصاف و رعایت سود عادلانه و در شرایط رقابتی انجام‌پذیرد، سهم سودبران از درآمد ملی کمتر خواهد بود. در نظام سرمایه‌داری، با فرض این‌که کارگران پس‌انداز نداشته باشند، رابطهٔ (۲۶) به صورت زیر قابل تعریف است:

$$\left(\frac{\pi}{Y}\right)' = \frac{I}{MPS_{\pi}} \cdot \frac{I}{Y} \quad (33)$$

براساس این رابطه، هرچه میل نهایی به پس‌انداز میل MPS_{π} کمتر باشد، سهم سودبران در درآمد ملی بیشتر می‌شود. این واقعیت بیانگر تمثیل خم جادویی کینز^۱ است. به این معنا که چون با کاهش MPS_{π} نهایی مصرف سودبران افزایش می‌یابد، همین امر موجب افزایش تقاضای کالاها و آنان نیز می‌شود. افزایش تقاضا منجر به افزایش حاشیهٔ سود برای سودبران می‌شود. به این ترتیب، هرچه دریافت‌کنندگان سود اضافه مصرف کنند به شکل درآمد انسانی بازپس خواهند گرفت و این افزایش درآمد به قیمت کاهش سهم مزدبران خواهد بود.

اما در اقتصاد اسلامی، اگر قیمت‌گذاری براساس سیستم افزایش قیمت^۲ عادلانه انجام شود و مبنای هزینهٔ تولیدکنندگان یا فروشندگان بهای کالای خود را بر مورد قبول متوسط به علاوه درصدی از هزینه‌ها - که عرف مسلمین است و موجب به وجود آمدن وضعیت قابل سرزنش نمی‌شود - تعیین کنند، معمای

1. Widow's Cruse Parable

2. mark - up.

خم جادویی کینز تحقق نخواهد یافت. علاوه بر این، باید توجه داشت که براساس فرض اصلی الگو که کارگران نیز از سودها سهم می‌برند، توزیع سود در گستره بیشتری از افراد جامعه خواهد بود.

مآخذ

الف) منابع فارسی و عربی

- توتونچیان، ایرج، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، مؤسسه انتشارات توانگران، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، ۱۴۰۳ ق.
- صدر، محمد باقر، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۵۷.
- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۲، چاپ دوم، ۱۳۹۱ هـ.
- عیوضلو، حسین، "بررسی و تحلیل سازگاری معیارهای کارآیی و عدالت در نظام اقتصاد اسلامی"، رساله دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.

ب) منابع انگلیسی و فرانسه

- Barry, Brian, *Theories of Justice*. Vol. 1, London School of Economics and Political Science, 1989.
- Brosio Giorgio & Harold M. Hochman, *Economic Justice*, The International braty of Critical Writings in Economics (Series Editor: Mark Blauy), Volume I, II, 1998.
- Dias, R. W. M. *Jurisprudence*, 5 th ed. UK.: Butterworth & Co (Publishers) Ltd., 1982.
- Harsanyi, John, "Morality and the Theory of Optimal Behavior", in A. Sen, and B. Williams (eds.), *Utilitarianism and Beyond*, Cambridge: Cambridge University Press, 1982.
- Harsanyi, John, C., "A Case for A Utilitarian Ethic", in Horst Siebert (ed.), *The Ethical Foundations of the Market Economy*, Tubingen: J.C.R. Mohr (Paul

Siebeck), 1994, pp. 3-13.

Huq, Ataul, "Distribution of Wealth and Income in an Islamic vis - a - vis Other Economic Systems", in *Thoughts of Islamic Economics*, 1980.

Kaldor, N., "Alternative Theories of Distribution", *The Review of Economic Studies*, 61, 1955 - 1956.

Kolm, Serge Christophe, *Modern Theories of Justice*, The MIT Press, 1996.

Lipsey, R. G. and K. Lancaster, "The General Theory of Second Best", *Review of Economic Studies*, 1956.

Murnion, William, E. "The Ideology of Social Justice for All", *Journal of Business Ethics*, 8, 1989, pp. 847-857.

Obrinsky, Mark, *Profit Theory and Capitalism*, University of Pennsylvania Press, 1983.

Rawls, John, *A Theory of Justice*, Oxford University Press, 1986.

Rosen, H. S., "Public Finance", 2ed. R. D. IRWIN, INC., 1989.

Rawls, John, Justice as Fairness, *The Philosophical Review*, 67, 1954, pp. 164-194.

Sadeq A. M., "Readings in Islamic Economic Thought", Malaysia: Longman, 1992.

Sadeq Abul Hasan M., *Financing Economic Development: Islamic and Mainstream Approaches*, Malaysia, Longman, 1992.

Sadeq, Abul Hasan M., "Factor Pricing and Income Distribution from an Islamic Perspective", *Journal of Islamic Economics*, Vol. 2, No. 1, 1989, pp. 45-54.

Sadeq, Abul Hasan M., "Distribution of Wealth in Islam", *Thoughts on Islamic Economics*, Bangladesh, August 1980, pp. 44 - 93.

Schotler, Andrew, "Free Market Economics: A Critical Appraisal", New York, 1985.

Sen, Amartya, "Justice: Means Verus Freedoms", in *Philosophy an Public Affaris*, 19, 1990, pp. 111-21.

Sharif Hassan, "Concept of Factors of Production and Their Remuneration in Islamic Perspective", *Thoughts on Economics*, Vol. 8, No. 3-4, 1987, pp. 101-127.

Siddiqi, Muhammd Nejatullal, "Islamic Economic Thought: Foundations, Evolution and Needed Direction", in *Readings in Islamic Economic Thought*, edited by Abulhasan M. Sacec and Aidit Ghazli, Malaysia, Longman, 1992, pp. 2-21.

Silver, Morris, "Foundations of Economic Justice", Basil BlackWell, 1989.

Silvester, J. J., "Les Inegalites de Salaires", Press Universitaires de France, Paris, 1978.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی